



حضرت آیت الله  
حسین نوری

# اقتصاد اسلامی

قسمت نهم

رئوس مباحث گذشته

تعریف علم اقتصاد - معنای لغوی و اصطلاحی - اقتصاد از علوم اجتماعی است - رابطه علم اقتصاد با علوم دیگر - طرح یک نقشه اقتصادی کامل - احتیاج به این طرح - مبارزه اسلام با اسراف - اسراف چیست - مرز و مراتب نیازمندیها - شناخت سررها - اسراف در راههای خیر - تدبیر - اسراف و عواقب آن - پایه ها و اصول نظام اقتصادی اسلام - ۱ - اصل مالکیت متنوع ۲۰ - آزادی در کسار در ارزشهای اسلام

زیر بنای سیستم سرمایه داری و دلایل آنها برای آزادی نامحدود ۱ - آزادی مساوی با رشد تولید ۲ - آزادی مساوی با خواسته فطری و پاسخ آنها از نظر ما

## آزادی اقتصادی

### در کادر ارزشهای اسلامی

از آنجا که دین حیات آفرین و سعادت بخش اسلام بر اساس فطرت و خلقت "انسان" بی ریزی شده و انسان دارای ابعاد و جنبه های گوناگون است این دین به همه جنبه های انسان توجه داشته سعادت او را در کلیه ابعادش تامین میکند و از طرفی چون جنبه های متعدد انسان با هم در ارتباط بوده و در یکدیگر تاثیر متقابل و کامل دارند لذا سعادت انسان در یک جنبه و یک بعد هرگز نمیتواند از جنبه ها و ابعاد دیگر او جدا و مجزا باشد

روی همین اصل است که این دین یک مکتب اقتصادی جداگانه و مستقلی بوجود نیاورده و ممکن نیست در این دین قوانین مربوط به نظام اقتصادی از توانسی که با عقائد و ایده نولوژی و با سیاست و مبانی اجتماعی و با معارف اخلاقی ارتباط دارد جدا و مستقل باشد و نیز روی همین جهت است که تفاوت میان آزادی ای که در مکتب کابینالیسی موجود است و در ستاره قبل مورد بحث قرار گرفت - با آزادی ای که در نظام اقتصادی اسلام وجود دارد تفاوت از زمین تا آسمان است

### فکر کابینالیسی و فکر اسلامی

اقتصاد دانان دنیای کابینالیسی بر اساس همین فکر کابینالیسی چنین تصور کردند که هر فردی در جامعه در جهت عملی و حرکت و در فعالیت های اقتصادی خود همیشه از مصلحت مادی خویش الهام می گیرد و بر اساس منفعت شخصی خود تلاش میکند و پس از تصور این موضوع بر اساس این طرز تفکر به کشف قوانینی که بر چنین جامعه حکومت می کند پرداختند و روشن است که آن تصور و آن قوانین

با ساختن روحی و فکری و معیارهای اخلاقی و عملی همان اروپائیها و هم رنگهای آنها هماهنگ است - نه با همه نظامها و مکتبها - ولی دین اسلام که در سایه معارف ابده نولوژیکی و مبانی اخلاقی و سیاسی و اجتماعی مخصوصی طرز تفکر انسانها را عوض میکند و انگیزه ها و هدفهای آنها را تغییر میدهد و انسانها را در قالب خاصی میریزد و به او محتوای فکری روحی خاصی میدهد مسلما نظام اقتصادی مخصوصی بوجود می آورد

بر پایه همین مطلب است که آزادی در نظام اقتصادی اسلام در کادر ارزشها و معیارهای اسلامی باید محدود باشد . اسلام "در هر سه مرحله که قبلا گفته شد یعنی هم در مرحله تحصیل مال و ثروت و هم در مرحله استنفا و افزایش دادن به ثروت های موجود و هم در مرحله مصرف کردن مال آزادی انسانها را محدود مینماید . در این نظام تنگنومند که منابع ثروت از قبیل دریاها ، دریاچه ها ، رودخانه ها ، کوهها ، جنگلها ، نیزارها ، بیشه ها ، معادن و اراضی موات بعنوان "انفعال تحت سیطره و تسلط حکومت اسلامی

است و افراد جامعه بدون توجه به برنامه - هائی که از طرف ولایت فقیه و حکومت اسلامی در مورد بهره برداری از این منابع خداداد تنظیم میشود مستقیماً نمیتوانند به بهره برداری و استفاده از این منابع بپردازند روشن است به محدودیتهای فراوانی که مانع استثمار و استعمار و تمرکز و تکثیر ثروت آنها است برخورد خواهند کرد .

و همچنین نسبت به زمینهای ملی ( زمینهای که لشکر اسلام آنها را با فیر و غلبه از کفار گرفته اند ) نیز که در زیر سیطره حکومت اسلامی است همین حرمان وجود خواهد داشت که در آینده با توفیق خداوند باید به شرح این موضوعات بپردازیم

### تحصیل ثروت از راههای نامشروع

عجالتاً در این مورد برای نمونه توجه باین مطلب لازم است که یکی از فصلهای فقهی در کتب اسلامی ، فصل " مکاسب محرمة است " که در این فصل کسبهای که از دیدگاه اسلام دارای مضرات فردی یا اجتماعی ، جسمی یا روانی و فکری ، اخلاقی یا اقتصادی است مورد بحث قرار گرفته که ما توجه بهمن یک فصل تفاوت نظریه اسلام در زمینه اقتصاد با مکاتب اقتصادی دیگر روشن می گردد . ما در اینجا این موضوع را در ضمن چند ماده توضیح میدهیم :

- الف - اشیائی که ذاتاً نجس میباشد مانند :
- ۱ - خون ( از جانورانی که دارای خون جهنده میباشد )
  - ۲ - نطفه
  - ۳ - اجزا میته ، آن اجزائی که دارای حیات بوده و از میتهای که دارای خون جهنده است میباشد .
  - ۴ - سگ
  - ۵ - خوک

- ۶ - انواع مشروبات الکلی و هر چیزی که مست کننده است .
  - ۷ - ادرار حیوانی که حرام گوشت است
  - ۸ - مدفوع انسان و هر حیوان حرام - گوشت که دارای خون جهنده باشد .
- خرید و فروش کلیه این اشیا هشنگانه در صورتی که دارای منفعت حلال و قابل اهمیت در زندگی انسان نباشد جایز نیست
- ب - خرید و فروش اشیا متنجسی که قابل پاک شدن نیستند در صورتی که استفاده از آنها موقوف بر تطهیر آنها باشد جایز نیست .
  - ج - اشیائی که از لحاظ شکل و کیفیت ساخت ، طوری است که فقط در کارهای حرام بکار گرفته میشود و از این قبیل است این چند موضوع :

- ۱ - بت ها
- ۲ - صلیب ها
- ۳ - آلات و ادوات لیهو
- ۴ - آلات قمار
- ۵ - آلات قمار
- ۶ - ظروف طلا
- ۷ - ظروف نقره
- ۸ - مجسمه جانداران



ساختن این قبیل اشیا حرام و غیر-

مشروع است و اجرت و بولی که در برابر ساختن آنها گرفته میشود نیز حرام و جز موضوع اخیر خرید و فروش آنها نیز غیر مشروع و حرام است اما نسبت به خرید و فروش مجسمه جانداران برخی از فقهای اسلام قائل به جواز میدانند .

د - چیزهایی که خریدار و فروشنده بقصد اینکه آنها در راه کار حرام بکسار گرفته شود خرید و فروش کنند و از این نمونه است مثلاً :

۱ - " انگور " را باین قصد مورد خرید و فروش قرار بدهند که از آن مشروبات الکلی بسازند یا بکسی بفروشند باین شرط که از آن مشروبات الکلی بسازد یا بکسی بفروشد که میدانند او از این انگور مشروب الکلی خواهد ساخت .

۲ - گنیز آوازه خوان را بقصد آواز غنا خرید و فروش کنند .

۳ - چوبی را باین قصد یا باین شرط بفروشد که خریدار آنها در راه ساختن بت یا صلیب یا ساختن آلات لیهو یا آلات قمار یا آلات قمار مورد استفاده قرار دهد

۴ - اجاره دادن وسائط نقلیه بقصد اینکه آنها در راه حمل و نقل مشروبات الکلی یا آلات لیهو یا آلات غنا یا ادوات قمار یا بت ها مثلاً مورد استفاده قرار بگیرد یا اجاره دادن مکانی بقصد اینکه در آنجا مشروبات الکلی فروخته شود یا مکانی را بقصد اینکه در آنجا فحشا صورت بگیرد یا بداند که نتیجه این اجاره چنین خواهد شد .

ه - فروختن هر نوع کالا - اعم از سلاح و نفت و غیر آن - به کسانی که در برابر اسلام و مسلمین حربه گیری می کنند و دشمنان اسلام و مسلمین محسوب میگردند و چون این معامله در این زمینه کمک به آنها و موجب تقویت آنها است و تقویت و کمک آنها ، بلکه ارتباط با آنها خطر بزرگی برای استقلال و حیثیت مسلمانان

است و با وسیله تقویت کفر و وسیله سلطه استعماری و غلبه و نفوق باطل بر حق است حرام و غیر مشروع است .

و - چیزهایی که دارای منافع مهمی در زندگی انسانها نیست بطوریکه آنها و دادن پول در برابر آنها کار عقلانی محسوب نمی گردد مانند خرید و فروش مار ، عقرب ، فیل ، بوزینه ، خرس و برخی از حشرات و امثال اینها ( مگر در مواردیکه فائده مهم و عقلانی در بین باشد ) و همچنین است چیزهایی که مظهر تجمل و اسراف محسوب می گردند مانند بلبل و قناری و امثال اینها نه مثل زنبور عسل و کسرم ابریشم و زانو .

ز - کارهایی که ذاتاً حرام است که تحصیل مال و ثروت نیز بوسیله آنها غیر مشروع و حرام است در این زمینها این اعمال را میتوان ذکر کرد :

- ۱ - تدلیس ماشطه ( زینت کردن زن بقصد فریب دادن )
- ۲ - مجسمه ساختن .

۳ - ایجاد و تقویت هر چیزی که موجب گمراهی فریب دادن و فریب خوردن مردم یا منصرف ساختن آنها از توجه به حقایق و واقعیات خلقت و زندگی و حتی بازداشتن مردم از راه حق هر چند بوسیله ساختن مسجدی مانند مسجد فرار باشد .

بنا بر این نوشتن مقاله یا کتاب گمراه کننده و طبع آنها یا حتی مطالعه آنها برای کسیکه تحت تأثیر قرار می گیرد یا تاسیس مدرسه و مقبره یا بنای منظور یا تاسیس مراکز خبری یا نشر اخبار غرض الود که بمنظور تحریف حقایق و فریب مردم صورت می گیرد حرام و هر نوع معامله روی آنها حرام و باطل است .

۴ - ایجاد چیزی که موجب برانگیختن شهوتها در راه حرام و سوق انگیزه های شهوانی به راههای نامشروع و باطل و فساد انگیز .

۵ - غنا یعنی آهنگهای شهوت انگیز مخصوصاً .

- ۶ - گرفتن و دادن رشوه و واسطه گری مابین دهنده و گیرنده .
- ۷ - جادو کردن
- ۸ - شعبده بازی
- ۹ - غش و تقلب .
- ۱۰ - قمار .
- ۱۱ - گهاتت . ( از آینده و امور پنهان با عمل و وسائل مخصوص خبر دادن )
- ۱۲ - ظلم .
- ۱۳ - کمک به ظلم و ظالم کردن .
- ۱۴ - از طرف ظالمین پستی و سستی را قبول کردن ( مگر اینکه بمنظور خدمت بمردم و نجات آنها صورت بگیرد )
- ۱۵ - ربا
- ۱۶ - احتکار
- ۱۷ - هجو کردن افراد مؤمن و مسلمان

ادامه دارد



فوق العاده در نشر و ترویج احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ، بالآخره در سن ۷۶ سالگی در سال ۲۸۱ هجری در شهری وفات کرد و در نزدیکی حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد .

احادیث این کتاب در فروع دین است . هر سه مؤلفین این کتب محمد نام دارند و کتبه هریک از آنها ابو جعفر است و آنها به محمد بن نلانه معروفند .

### وفات صدوق

پس از خدمات ثاباتی که شیخ صدوق به اسلام و مسلمین نمود و پس از تحمل رنجهای

۲ - من لایحضره الفقیه که مشتمل است بر ۵۹۲۰ حدیث از شیخ صدوق . و این دومین کتاب از کتب اربعه و از بارزترینها و با ارزشترین آثار و تألیفات شیخ صدوق است . من لایحضره الفقیه یعنی خود آموز فقه و شیخ این اسم را از کتاب من لایحضره الطیب محمد بن زکریایری اقتباس کرده . ۳ - استعمار : با ۵۵۱۱ حدیث از شیخ طوسی ۴ - تهذیب الأحکام : با ۱۳۵۹۰ حدیث از شیخ طوسی ، که تصام

می دهد و بترتیب شماره از صفات یگانه تا خصلتها و صفات هزارگانه در این کتاب وارد شده است .

۱۸ - کتاب من لایحضره الفقیه : و این کتاب از کتب اربعه است کتب اربعه که از معتبرترین کتب حدیث شیعه به شمار می روند عبارتند از ۱ - کافی : در حدود ۱۶ هزار حدیث از شیخ کلینی